

نقش زنان و توانمندسازی آنان در توسعه پایدار زیست محیطی

امید نیایی^{*۱}

*۱- کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه مفید، قم

ایمیل نویسنده مسئول: dimoighain@yahoo.com شماره موبایل نویسنده مسئول: ۰۹۱۱۴۶۴۵۸۹۹

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۲۱ تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۲۸

چکیده

با تدوین سند توسعه پایدار ملل متحد در سال ۲۰۰۰، کشورها متعهد به انجام دو اقدام اساسی در ارتباط با زنان شدند. مورد نخست، تعهد به انجام برنامه‌ریزی‌ها و تدوین سیاست‌هایی در راستای توانمندسازی زنان و تحقق مشارکت هرچه بیشتر آنان در سطوح بنیادی جامعه و مورد دوم، ایجاد و پیشبرد سازوکارهایی برای ظرفیت‌سازی و افزایش این ظرفیت در راستای برنامه‌ریزی‌ها و مدیریت موثرتر در جهت امور زیست محیطی. در این مقاله قرار است ارتباط میان زنان و توانمندسازی آنان و نقش آنان در توسعه پایدار زیست محیطی مورد بررسی قرار گیرد. به عبارتی دیگر، این مقاله در مقام بیان این مسأله است که وجود اشکال تبعیض میان زنان و مردان، علی‌الخصوص در سطوح نقش-های اجتماعی و مدیریتی و محروم ماندن آنان از سطوح مختلف آموزش و اشتغال، به شکل بسزایی در معضلات زیست محیطی و دامن زدن به آنان نقش خواهد داشت. در پایان این نتیجه حاصل شد که توسعه پایدار در زمینه مسائل و امور زیست محیطی میسر نخواهد بود، مگر با افزایش ظرفیت‌ها و آگاهی‌های زنان در ارتباط با امور زیست محیطی، تسهیل مشارکت و همکاری بیشتر آنان در ایفای نقش‌های اجتماعی و افزایش توانمندی‌ها و ظرفیت‌های مدیریتی آنان در سطوحی برابر با مردان.

کلمات کلیدی

"محیط زیست"، "توسعه پایدار"، "زنان"، "توانمندسازی"، "سرمایه‌های اجتماعی"

The role of women and their empowerment in environmentally sustainable development

Abstract

By formulating the UN sustainable development document in 2000, countries committed to do two basic actions related to women. The first, to do the planning and formulation of policies to empower women and realize their greater participation in society fundamental surfaces and second, to create and promote mechanisms for capacity building and increasing the capacity for planning and effective management for environmental affairs. In this article, it is supposed to be examined the relationship between women and their empowerment and its role in environmentally Sustainable development. In other words, this article argues that the existence of forms of discrimination between men and women, especially social and managerial roles levels and depriving them from Different levels of education and employment have a significant role in environmental problems and will provoke them. Finally, this result was achieved that sustainable development in environmental issues and affairs would not be possible; Unless, by increasing women's capacities and awareness about environmental issues, facilitating their participation and collaboration in social roles and increasing their managerial capabilities and capacities at equal levels with men.

Keywords

"Environment", "Sustainable development", "Women", "Empowerment", "Social Capital"

مقدمه

به طور کلی، زنان به عنوان یکی از ارکان بنیادین در آموزش اولیه کودکان چه به لحاظ اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و چه به لحاظ مسائل فرهنگی و زیست محیطی در هر جامعه به شمار می‌یابند. به عبارت دیگر نخستین تعلیم دهنده در یک جامعه و آماده کننده یک نسل آگاه و برخوردار از دانش برای ایجاد و فراهم نمودن بسترهای پیشرفت و توسعه در یک کشور و یک ملت زنان هستند. بنابراین همین امر کافی است که پیشرفت و توسعه زنان یک جامعه را برابر با پیشرفت و توسعه آن کشور نیز بدانیم. اگرچه ممکن است در مسئله فوق تردیدی نبوده و اختلافی میان کشورها در مورد توافق بر سر آن وجود نداشته باشد، اما باید با ابراز تأسف اظهار داشت که همین زنان در اکثریت کشورهای در حال توسعه و حتی در برخی از کشورهای توسعه یافته دچار تبعیض جنسیتی در امور مربوط به آموزش، اشتغال و هرگونه فعالیت زمینه‌ساز یا مرتبط با مشارکت اجتماعی هستند، در حالیکه امور مربوطه مغایر با تفکر همکاری و مشارکت زنان در اجتماع است. اما نکته‌ی مهمی که نباید فراموش شود این است که زنان در کنار مردان به عنوان یکی از سرمایه‌های اجتماعی در هر کشور شناخته می‌شوند و کنار گذاشته شدن آن‌ها پیامدهای سنگین اقتصادی، اجتماعی و در نهایت رفاهی هم برای خود زنان و هم برای جامعه آن کشور در بر خواهد داشت. از طرف دیگر پیامدهای فوق مستقیماً و همچنین به طور غیر مستقیم با توسعه پایدار کشورها در ارتباط خواهد بود. بدین لحاظ دو سند توسعه هزاره و بالاخص دستورکار توسعه پایدار با تدقیق در امور فوق از خود توجه نشان داده و مسئله زنان و توانمندسازی آنان را به نوعی مستقیماً و نیز به طور غیر مستقیم زمینه‌ساز توسعه پایدار دانسته‌اند.

بنابراین توانمندسازی زنان در طول سه دهه گذشته هم در محافل دانشگاهی و هم در محافل سیاسی مورد توجه قرار گرفت. این واژه جایگزین واژه‌هایی در گذشته از قبیل رفاه، تعالی، کاهش فقر، و مشارکت اجتماعی شده است. در حالیکه دستخوش چندین تغییر شده است، اما این تغییرات در کاربرد عملی آن منعکس نشده است و از یک تعریف حداقلی که بر کنترل بر منابع مادی تأکید

می‌ورزید، تا کنترل بر ایدئولوژی گسترده شده است (Molyneux, 1985; Baltiwala; 1994; Osirim, 2001). در این زمینه مقالات و متون متعدد مرتبطی با موضوع منتشر شده است که به برخی از آنان اشاره می‌شود: جنسیت و محیط زیست از سوی سازمان امنیت و همکاری اروپا که در سال ۲۰۰۹ با عنوان راهنما برای یکپارچه نمودن جنبه‌های جنسیتی در پروژه‌های زیست محیطی سازمان امنیت و همکاری اروپا منتشر شده است، مقاله توانمندسازی زنان و ارتباط آن با توسعه پایدار که بیشتر ناظر بر موضوعات کلیدی اولیاتی در شصتمین نشست کمیسیون وضعیت زنان است که ۱۴ تا ۲۴ مارس در سال ۲۰۱۶ در مقر سازمان ملل متحد در نیویورک برگزار شد، مقاله زنان، محیط زیست و توسعه پایدار: ایجاد ارتباط از Julekha Begum در سال ۲۰۰۰ و مقاله نوآوری برای توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی از Payal، Jennifer Schulte، Anju Malhotra، Patel و Patti Petesch در سال ۲۰۰۹ نمونه‌هایی از مقالات مرتبط با موضوع هستند. از طرف دیگر توجه به ارتباط متقابل میان زنان و محیط زیست و نقشی که این دو می‌توانند در پایداری یکدیگر بازی کنند نقطه قوت دیگری برای پررنگ نمودن مسئله توانمندسازی زنان و نشان‌دهنده ضرورت پرداخت به آن است. بنابراین پرداختن به مسئله توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون با لحاظ اینکه آنان یکی از ارکان و عناصر سرمایه‌ی اجتماعی یک کشور محسوب می‌شوند و ارتباط تنگاتنگی که با محیط زیست دارند و در نهایت به جهت اینکه یکی از عناصر اساسی و بسیار تأکید شده در اسناد مرتبط با توسعه پایدار نقشی مهم چه به طور مستقیم و چه به طور غیرمستقیم در رسیدن به اهداف توسعه پایدار ایفا می‌کنند، موضوعاتی است که این مقاله قرار است بدان‌ها بپردازد. به عبارت دیگر مقاله فوق در تلاش است که چرخه‌ی ارتباطی میان توانمندسازی زنان، برابری جنسیتی، افزایش ظرفیت مشارکت اجتماعی زنان و نقش آن در توسعه پایدار زیست محیطی را کشف و مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. در راستای رسیدن به هدف فوق پرسش اصلی این مقاله این است که چه ارتباطی میان توانمندسازی زنان با لحاظ ابعاد گوناگون و افزایش آن با طرق مختلف و مسئله توسعه پایدار و بالاخص توسعه پایدار زیست

۱- مفاهیم و پیشینه پژوهش

در این بخش پس از ارائه تعریف مفاهیم مرتبط با موضوع مورد نظر و منظور از اصطلاحات فوق در این مقاله، به طور مختصر پیشینه‌ای در ارتباط با مورد توجه قرار گرفتن زنان، آموزش، اشتغال و مشارکت آنان در جهت تحقق اهداف مرتبط با توسعه پایدار مبتنی بر دو سند مهم در این رابطه یعنی سند توسعه هزاره و دستور کار توسعه پایدار ارائه می‌شود.

• سرمایه اجتماعی

به طور کلی مفهوم سرمایه اجتماعی از ارتباطات و روابط جمعی میان افراد یک جامعه حاصل می‌شود و عمدتاً بستگی به متغیرهایی از قبیل میزان درک و تعمق افراد یک جامعه در حوزه مسائل عمومی و آگاهی آنان نسبت به حل راحت‌تر مشکلات عمومی به واسطه یک تشکل جمعی دارد. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی موجب تسریع در روند حل معضلات اجتماعی، مشکلات عمومی یک کشور و بهبود متغیرهای مورد نظر برای توسعه-یافتگی یک جامعه است. اما برخلاف سرمایه مالی دارای مالک فردی نبوده مالک آن مالکیت جمعی برای جامعه است و لزوماً ارزشی مادی به دنبال نخواهد داشت. در واقع سود و ارزشی که از سرمایه اجتماعی ناشی می‌شود هدف اصلی از بکارگیری سرمایه اجتماعی نیست، به عبارت دیگر سودآوری از پیامدهای غیرمستقیم آن است.

بوردیو سرمایه اجتماعی را شکلی از اشکال سرمایه می‌داند که از تعهدات (روابط) اجتماعی تشکیل شده و در شرایطی معین به سرمایه اقتصادی قابل تبدیل است و می‌توان آن را به شکل القاب اشرافی (در شکل اصالت و شهرت) نهادینه کرد (Bourdieu, 1997: 1-3). از طرف دیگر یکی از ویژگی‌های مهم سرمایه اجتماعی این است که با توسعه اقتصادی در یک کشور ارتباط تنگاتنگی دارد و با توجه به اینکه توسعه اقتصادی یکی از ارکان سه گانه مثلث توسعه پایدار است باید گفت که تحقق گنجینه‌ی سرمایه اجتماعی برای یک جامعه مساوی با فراهم بودن یک نیروی انسانی منسجم و مستحکم همراه با قوه بالای همبستگی و همکاری در جهت دستیابی به توسعه پایدار است.

محیطی وجود دارد. در نگاه اولیه به نظر می‌رسد با توجه به ارتباط متقابلی که میان زنان و موضوعات زیست محیطی وجود دارد و به طور مثال تاثیر بسزایی که مسائلی نظیر کمبود آب، از بین رفتن تنوع زیستی علی‌الخصوص اکوسیستم‌های جنگلی و به طور قابل توجهی مسئله تغییرات اقلیم بر زنان، اشتغال آنان و فعالیت‌های آنان چه در حوزه‌ی شهری و چه در حوزه‌ی روستایی خواهد داشت، با تحقق توانمندسازی و وارد کردن آنان در برنامه‌ها و فعالیت‌های گوناگون اجتماعی می‌توان توجه بیش از پیش آنان را به حوزه معضلات زیست محیطی و تاثیر آن در فعالیت‌ها و حتی پایداری حیاتشان جلب نموده و شاهد فعال شدن سرمایه‌ی اجتماعی ارزشمند در کنار مردان جهت حل مشکلات زیست محیطی و در نتیجه برآورده شدن خیلی از انتظارات و نیازهای آنان در اثنای این پروسه باشیم. در این میان لازم است ابتدا به پرسش‌های زیر پاسخ داده شود:

← چه ارتباطی میان توانمندسازی زنان و مسئله محیط

زیست وجود دارد؟

← تحقق برابری جنسیتی در ابعاد مختلف و گسترش

مشارکت اجتماعی زنان چه نقشی در تحقق رفاه

انسانی و بشری دارد؟

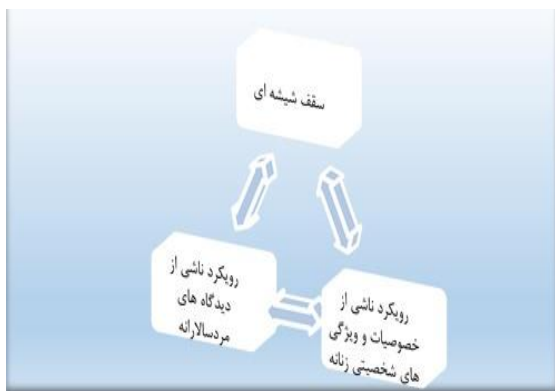
مقاله فوق جهت پاسخ به پرسش‌های فوق در سه بخش تنظیم شده که در بخش اول تعریفی از مفاهیم مرتبط با موضوع ارائه می‌شود، در بخش دوم ارتباط میان زنان، محیط زیست و نقش آنان در برطرف نمودن مشکلات زیست محیطی پرداخته می‌شود و در بخش سوم ارتباط میان زنان و توسعه پایدار زیست محیطی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در پایان نیز به این نتیجه خواهیم رسید که ارتباطی مستقیم و غیرمستقیم میان زنان و تحقق اهداف توسعه پایدار وجود دارد و از همین رو تحقق توانمندسازی و افزایش ظرفیت مشارکت آنان در برنامه‌های زیست محیطی می‌تواند رسیدن به اهداف توسعه پایدار علی-الخصوص در حوزه محیط زیست را هموارتر نماید. در انتها یک سری از اقدامات لازم و ضروری در راستای تحقق اهداف مورد نظر ارائه می‌شود.

بشر و رسیدن به توسعه در ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی مورد نیاز، با حفظ حقوق نسل‌های آینده است.

• سقف شیشه‌ای

اصطلاح سقف شیشه‌ای به موانعی نامرئی و نانوشته اشاره دارد که امکان رشد، پیشرفت و بر عهده گرفتن وظایف و پست‌های مدیریتی و حساس و به طور کلی ایفای نقش‌ها و وظایف اجتماعی را از زنان سلب می‌کند. این امر خود می‌تواند ناشی از دو مسئله باشد، به عبارت دیگر برقراری شرایطی که از آن به عنوان سقف شیشه‌ای یاد می‌شود می‌تواند ناشی از دو رویکرد باشد: (شکل ۱)

شکل ۱. نمودار سقف شیشه‌ای



← رویکرد ناشی از خصوصیات و ویژگی‌های شخصیتی زنانه

این رویکرد ناشی از این مسئله است که گروهی از زنان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و جنسیتی زنانه خود همواره به نقش‌های اجتماعی کوچکتر می‌اندیشند. برآیند این رویکرد گروهی از زنان با توقعات پایین و در اندیشه‌ی بر عهده گرفتن نقش‌های اجتماعی روزمره و ممکن‌الاحصول‌تر است.

← رویکرد ناشی از دیدگاه‌های مردسالارانه

این رویکرد عمدتاً به به دیدگاه‌های مردسالارانه نسبت به زنان و جنسیتشان برمی‌گردد. برآیند این رویکرد ایجاد محیط‌های کاری مردانه و عاری از وجود زنان و یا عمدتاً همراه با حضور کم‌رنگ‌تر زنان نسبت به

جیمز کلمن، جامعه‌شناس، در نتیجه‌گیری خود می‌گوید: «سرمایه-ی اجتماعی همچون دیگر شکل‌های سرمایه، بسیار پربار است و نیل به اداف ویژه‌ای را میسر می‌سازد که بدون آن امکان پذیر نیست» (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۹۹). در کل سرمایه اجتماعی به عنوان نوعی «علاج همه مشکلات» جامعه مدرن تلقی شده است (Portes, 1998).

• توانمندسازی

توانمندسازی زنان فرآیندی از تغییر فردی و اجتماعی است که در حال وقوع در حوزه‌های اجرایی بهم‌پیوسته و متقابل روانشناختی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است، و از طریق آن زنان به صورت فردی و جمعی قدرت، انتخاب‌های مهم و معنی‌دار و کنترل بر زندگیشان به دست می‌آورند (O'Neil et al., 2014). به عبارت دیگر توانمندسازی زنان مستلزم ایجاد زیرساخت‌هایی ضروری جهت فراهم آوردن بسترهای لازم برای رشد زنان در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی، فرهنگی و مشارکت هرچه بیشتر و فعال‌تر آن‌ها در نقش‌های اجتماعی در راستای به دست آوردن قدرت و اقتدار در زمینه‌ی خودساختگی، قدرت انتخاب و خودکفایی در زمینه‌ی کنترل بر ابعاد مختلف زندگی خود می‌باشد.

• توسعه پایدار

کمیسون جهانی محیط زیست و توسعه در تعریف توسعه پایدار اینگونه اظهار میدارد که توسعه پایدار فرآیندی است که نحوه استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها، سمت‌گیری تکنولوژی و توسعه آن را با نیازهای حال و آینده سازگار می‌سازد.

این فرآیند توسعه‌ای است که بهبودی واقعی را در کیفیت حیات بشر فراهم نموده و به طور هم‌زمان تنوع اکوسیستم‌های زمین را حفظ می‌کند. و فرصت‌هایی برای توسعه موفقیت‌آمیز دراز مدت بوده و همراه با حداقل نتایج ناخواسته‌ای که با یک تمرکز هماهنگ بر اقتصاد، اجتماع و محیط زیست بهبود یافته است (Flint, 2013:32). به طور کلی توسعه پایدار فرآیندی است که در برگیرنده اقدامات و همکاری‌های مشترک، اعم از سرمایه‌گذاری‌ها، بکارگیری تکنولوژی‌ها و منابع گوناگون برای رسیدن به اهدافی است که در نهایت جهت تامین نیازهای حال و آینده

هزاره مورد توجه قرار گرفته بود، دستور کار توسعه ملل متحد نیز از این مسئله غفلت ننموده و در قالب دو هدف عمده و کلان به مسئله زنان پرداخته است که در مبحث پایانی مطالعه می‌شود:

۲- نقش زنان در تحقق برنامه‌های زیست محیطی

در این بخش قرار است که به ارتباط میان زنان و محیط زیست و نقش مشارکت آنان در فعالیت‌های زیست محیطی پرداخته شود.

• زنان، توانمندسازی زنان و پیامدهای زیست محیطی آن

زنان و محیط زیست همواره در ارتباط تنگاتنگی نسبت به یکدیگر قرار داشته‌اند. به طوریکه حفاظت از محیط زیست و بهبود استانداردهای زیست محیطی در نهایت به نفع زنان و تخریب و نابودی محیط زیست در نهایت به ضرر زنان خواهد بود. در واقع امر، زنان می‌توانند با توجه به رابطه‌ی نزدیکی که با طبیعت و محیط زیست دارند و دانش و اطلاعاتی که نسبت به اقدامات حفاظتی از محیط زیست دارند، نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست ایفا نمایند. در شکل ذیل به طور مختصر به برخی از نظریات در ارتباط میان زنان و محیط زیست اشاره می‌شود. در ارتباط با نقش زنان در حفاظت از محیط زیست، نظریه‌های گوناگونی تاکنون مطرح شده است. برخی از نظریه‌پردازان که می‌توان آنان را پیرو نظریه برتری زنان در حفاظت از محیط زیست دانست، معتقدند که زنان صرفاً به دلیل زن بودن، بدر رابطه با حفاظت از محیط زیست عملکرد بهتری در مقایسه با مردان. اما گروه دیگری با این نظر مخالف هستند. آن‌ها معتقدند که زنان نه صرفاً به عنوان زن بودنشان، بلکه به علت تجارب بیشتری که نسبت به مردان در زمینه استفاده از منابع طبیعی و مدیریت مربوط به آن برخوردار می‌باشند می‌توانند در ارتباط با حفاظت از محیط زیست به مراتب نقش سودمندتر و اثربخش‌تری را ایفا نمایند. البته، عده دیگری با طرح مباحث جنسیت استدلال می‌کنند که زنان و مردان در مسیر زندگی اجتماعی خود دارای نقش‌ها و نیازهای متفاوتی هستند که باید آنها را شناخت و برنامه‌های توسعه را بر مبنای این نقش‌ها و نیازها تنظیم کرد. در نهایت، برخی از نظریه‌پردازان عقیده دارند که زنان علاوه بر نقش‌های موجود، خود دارای نیروهایی هستند که هنوز کشف و مشخص نشده است و از این رو لازم است برنامه‌ریزان توسعه، برای شکوفایی چنین نیروهای بالقوه‌ای بستر مناسب فراهم نمایند.

مردان در محیط‌های فوق است. در این گونه محیط‌ها که حاصل فرهنگ مردسالاری در یک جامعه است زنان اغلب یا در محیط‌های کاری مشغول به کار نیستند و یا در صورت اشتغال نیز مانعی دائمی و مستمر بر سر راه رسیدن آنها به پست‌های مدیریتی و کلان وجود دارد. به طور کلی در این جوامع مدیریت زنان و حضور آنان در رأس هرم تصمیم‌گیری و اجرایی آرزویی بلند پروازانه است.

• سند توسعه هزاره

این اعلامیه در اجلاس هزاره که از ۶ تا ۸ سپتامبر ۲۰۰۰ در نیویورک تشکیل شد، به تصویب رسید. اعلامیه فوق دربردارنده ۸ آرمان و هدف کلان و ۲۱ هدف خرد است که هدف کلان سوم آن به مسئله زنان و توانمندسازی آنان اشاره نموده است

⇐ هدف کلان شماره ۳: ارتقای برابری جنسیتی و

توانمندسازی زنان

⇐ هدف خرد: از بین بردن نابرابری جنسیتی در آموزش

ابتدایی و متوسطه، ترجیحاً تا سال ۲۰۰۵ و در تمام

سطوح آموزش و پرورش تا سال ۲۰۱۵

در واقع نه تنها موضوع زنان، برابری حقوق آنان با مردان و توانمندسازی آنان به طور مستقل به عنوان یکی از ارزشهای بنیادین در اعلامیه هزاره معرفی شده است، بلکه همچنین به عنوان یکی از شیوه‌های موثر مبارزه و ریشه‌کنی فقر، گرسنگی، بیماری و دستیابی به توسعه‌ی پایدار از آن یاد شده است. دلیل این امر این است که امروزه ما با پدیده‌ای به نام زنانه شده فقر مواجهیم و در نتیجه بهبود مکانیسم‌های حمایتی در جهت رشد رویه‌ی فقرزدایی از زنان خود راهی هم برای مبارزه با فقر و هم پیش‌زمینه‌ای برای دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان خواهد بود.

• سند توسعه پایدار

پس از سند توسعه هزاره، کشورها در سال ۲۰۱۵ در مورد دستورکار توسعه ملل متحد به توافق رسیدند. بر اساس این سند تمامی کشورها باید تا سال ۲۰۳۰ میلادی به اهداف کلان مندرج در این سند دست یابند. سند فوق دربردارنده ۱۷ هدف کلان و ۱۶۹ هدف خرد است. اما همانطور که مسئله زنان در سند توسعه

مشارکت در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در امور زیست محیطی می‌تواند تأثیری بسزا در حوزه اقدامات عملی آنان نهاده و در مواردی زنان را به بازیگرانی مغفول تبدیل نماید که نه تنها در حوزه اقدامات عملی روند نزولی را طی نمایند بلکه به عاملی برای تخریب محیط زیست به دلیل فقر، عدم توانایی اجتماعی و عدم اتکای مالی، دست به هر عملی در راستای کسب ثروت از منابع طبیعی و زیست محیطی بزنند. اینجاست که می‌توان نقش توانمندسازی زنان در حضور فعال‌تر آنان در برنامه‌های زیست محیطی و متعاقباً کسب جایگاه اجتماعی بالاتر و تحقق توانمندسازی اقتصادی در جهت تحقق برنامه‌های حفاظت از محیط زیست به وضوح مشاهده نمود.

جدول ۱. میانگین اقدامات عملی و تشکیلاتی برای حفاظت از محیط زیست به تفکیک جنسیت در کشورهای مورد بررسی (اکبری، ۱۳۹۱: ۴۷-۴۸)

کشور	اقدام عملی (دامنه ۰-۳)		اقدام تشکیلاتی (دامنه ۰-۴)	
	مردان	زنان	مردان	زنان
فنلاند	1/73	2/06▲	0/12	0/08▼
نروژ	۱/۶۱	2/02▲	1/29	0/93▼
سوئد	۱/۹۶	2/21▲	0/60	0/52▼
آلمان	۲/۴	2/49▲	0/06	0/05▼
کره جنوبی	2/32	2/52▲	0/25	0/25▼
استرالیا	۲/۳۵	2/63▲	0/77	0/92▲
نیوزیلند	۱/۹۹	2/30▲	0/18	0/12▼
اسپانیا	۱/۷	2/06▲	0/37	0/28▼
تایوان	۲/۱۵	2/24▲	0/30	0/37▲

به طور کلی میان توانمندسازی زنان و آثار آن محیط زیست می‌تواند دو نوع ارتباط قائل شد. ارتباط نخست بیانگر تأثیر توانمندسازی زنان در افزایش میزان آموزش و گسترش دامنه‌ی اطلاعات زیست محیطی آنان است. در واقع زنان اصولاً به عنوان نخستین تعلیم دهنده به کودکان نقش بارزی را در انتقال دانش اصلاح الگوهای مصرف آب و حفاظت از جنگل‌ها و دیگر منابع طبیعی از جمله اکوسیستم‌های دریایی و هرگونه اطلاعات مرتبط با حفاظت از محیط زیست برای نسل‌های دیگر بشر ایفا می‌نمایند. از طرف دیگر به دلیل ارتباط تنگاتنگی که میان زنان و محیط زیست وجود دارد و پیامدهای حفاظت یا تخریب محیط زیست در درجه اول گریبانگیر آنان خواهد بود، بنابراین توانمندسازی زنان در راستای افزایش ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آنان در نقش‌های اجتماعی و به عبارت ساده‌تر اتخاذ رویکردی مشارکتی نسبت به آنان در جهت حضور و مشارکت هر چه بیشتر آنان در برنامه‌ریزی‌ها و سیاست‌گذاری‌های زیست محیطی و نیز حضور فعال آنان در اجرای این برنامه‌ها به طریق مستقیم و حضور در مناصب دولتی و یا به طور غیر مستقیم از طریق تشکیل و عضویت در انجمن‌های اختصاصی زنان و مرتبط با امور زیست محیطی تأثیری بسزا در راستای اجرایی شدن و موفقیت آمیز بودن برنامه‌های زیست محیطی خواهد داشت. از طرف دیگر تحقیقات نشان داده که اقدامات زنان در راستای امور ابتدایی زیست محیطی و خارج از برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته و در راستای اقدامات روزمره خود در خانه و خانواده اصولاً بیشتر از مردان فعالند در حالیکه در امور تشکیلاتی و تشریفاتی برعکس است. در اینجا به طور مختصر به میانگین اقدامات عملی و تشکیلاتی برای حفاظت از محیط زیست به تفکیک جنسیت در برخی کشورها اشاره می‌نماییم (جدول ۱)

جدول مزبور بیانگر آن است که به طور کلی در بیشتر کشورها اقدامات عملی زنان در حوزه محیط زیست بیشتر از مردان است که این امر در حوزه اقدامات تشکیلاتی متفاوت بوده و مردان هستند که در این حوزه بیشتر فعالیت دارند. حال آنکه باید توجه داشت که اقدامات تشکیلاتی زنان بر اقدامات عملی آنان تأثیر بگذارد. در واقع اگرچه زنان به طور کلی در حوزه فرهنگ مصرف آب، فرهنگ تفکیک‌سازی زباله و سایر امور مربوطه نسبت به مردان آگاهی بیشتر داشته و تا حد زیادی بدان عمل می‌نمایند اما عدم فعالیت و مشارکت آنان در حوزه اقدامات تشکیلاتی از قبیل

برنامه‌های ساختاری در امور زیست محیطی. این رویکرد که از آن به رویکردهای حساس به جنسیت نیز یاد می‌شود و دولت‌ها امروزه به موجب اسنادی از قبیل برنامه کار بیجینگ و استراتژی‌های آینده‌نگر نایروبی که درصدد حذف تمامی موانع مشارکتی زنان در امور اجتماعی و اقتصادی است، هدفش افزایش برابر اطلاعات زنان و مردان در حوزه امور زیست محیطی و دانش حفاظت از محیط زیست در جهت توسعه پایدار زیست محیطی و متعاقباً کاهش و به حداقل رساندن فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و دیگر فعالیت‌های مخرب بر محیط‌زیست و گسترش رویکرد شکل ۲. رویکرد جریان‌سازی جنسیتی در چرخه پروژه سازمان امنیت و همکاری اروپا



در جریان پیاده‌سازی و عملیاتی نمودن رویکرد فوق مسائل و سوالاتی در هر قسمت چرخه پیش می‌آید که باید بدان‌ها توجه کرد. این سوالات عبارتند از:

- ← چه کسی در حال انجام چه چیزی است؟
- ← چه کسی دسترسی به کدام منابع دارد؟
- ← چه کسی بر کدام منابع کنترل دارد؟
- ← چه کسی نیازمند چه چیزی است؟

اما یکی از نکات مهم به رسمیت شناختن نقش‌های مختلف زنان و مردان در پروژه‌های زیست محیطی است. اگرچه ممکن است این ایده به ذهن برسد که محیط‌زیست به نحوی مشابه زنان و مردان را تحت تاثیر قرار می‌دهد، اما نباید فراموش کرد

• تحقق سیاست‌های اجرایی در راستای مشارکت هر چه بیشتر زنان

نظریه اکوفمینیستی تسلط و بهره‌کشی تاریخی زنان و طبیعت را در کنار یکدیگر ترسیم کرده و هر دو را قربانیان توسعه در نظر گرفته است. بر اساس این دیدگاه هر آسیبی به طبیعت به زنان آسیب می‌رساند (Rao, 2012). به همین دلیل، امروزه به طور کلی امروزه تعهدات دولت‌ها به قرار دادن زنان به عنوان یکی از عناصر کلیدی در زمینه‌ی توسعه پایدار زیست محیطی در برنامه‌ها و سیاست‌های اجرایی در زمینه امور زیست محیطی امری پذیرفته شده است. اکوفمینیست‌ها بحث می‌کنند که به طور تاریخی دانش زنان از طبیعت به حفظ زندگی کمک می‌کند. برنامه‌ها و رویکردهای گوناگونی نیز در این راستا وجود دارند که به طور مکرر بر امر توانمندسازی زنان و مشارکت هرچه بیشتر آنان در برنامه‌ریزی‌های ساختاری تاکید می‌ورزند و در تمامی این رویکردها، یکی از بسترهای مهم برای حضور و مشارکت زنان عرصه محیط زیست است. در این راستا اعلامیه و برنامه عمل

در ستون مربوط به زنان، علامت ▲ نشان دهنده این است که زنان دارای میانگین بالاتری از مردان در آن کشور می‌باشند و علامت ▼ نشان دهنده این است که زنان دارای میانگین کمتری از مردان در آن کشور می‌باشند. [منبع: پیمایش ارزش‌های جهانی، موج سوم (۱۹۹۹-۱۹۹۵)]

بیجینگ یکی از جمله اسنادی است که به موجب آن دولت‌ها متعهد شدند رویکردی مشتمل بر جریان‌سازی جنسیتی را در پیش گیرند. این جریان‌سازی در ۱۲ حوزه است که عبارتند از: زنان و فقر، آموزش و تعلیم زنان، زنان و سلامتی، خشونت علیه زنان، زنان و مخاصمه مسلحانه، زنان و اقتصاد، زنان در قدرت و تصمیم‌گیری، مکانیسم‌های نهادی برای پیشرفت زنان، حقوق بشر زنان، زنان و رسانه، زنان و محیط زیست، کودکان دختر. اما به طور کلی رویکرد جریان‌سازی جنسیتی عبارت است از ارتقاء و ترویج فرصت‌های برابر برای زنان و مردان به عنوان ذینفعان اصلی در امر حفاظت از محیط زیست و به ویژه زنان در امر تخریب محیط زیست و جلب نظر آنان در تصمیم‌گیری‌ها و

نماید. در درجه نخست چنانکه در سطور بالاتر توضیح داده شد توانمندسازی زنان به عنوان یکی از اهداف عمده توسعه در اسنادی از جمله اعلامیه توسعه هزاره، دستور کار ۲۰۳۰ ملل متحد برای توسعه پایدار، استراتژی‌های آینده-نگر ناپروبی و اعلامیه و برنامه عمل بیجینگ قید شده است. در واقع از منظر تمامی اسناد فوق و آنچه که امروزه در نظر محققان مشاهده می‌شود توسعه پایدار میسر نخواهد بود، مگر با توانمندسازی زنان به ویژه در حوزه اقدامات تشکیلاتی و مشارکت دادن آنان در برنامه‌ها، سیاست‌گذاری‌ها و کسب نظر از زنان به عنوان یکی از نزدیکترین عوامل به طبیعت در برنامه‌های زیست محیطی. در واقع امروزه با توجه به مشکلات متعددی که در حوزه محیط زیست وجود دارد و موانع عظیمی در راه رسیدن به توسعه پایدار شمرده می‌شوند از جمله تغییرات اقلیم، کمبود آب، کاهش و نابودی تنوع زیستی و از طرف دیگر زنان نخستین کسانی هستند که از رویدادهای فوق تاثیر می‌پذیرند، می‌توان گفت زنان، خود، نخستین کسانی هستند که می‌توانند به کاهش این رویدادها و برنامه‌های حفاظت از محیط زیست کمک کنند و نقش مهمی را در این راستا ایفا نمایند.

• تحقق سیاست‌های اجرایی در راستای مشارکت

هر چه بیشتر زنان

با وجود اینکه زنان در سرتاسر جهان توسعه یافته رسماً از برابری قانونی برخوردارند، در بسیاری از این کشورها زنان از تأثیرات نابرابری غیرمستقیم اعمال شده از طریق دستمزدهای پایین، تجاوز، خشونت خانگی و کلیشه‌های فرهنگی که اثر نامطلوبی بر بهداشت و رفاه بسیاری از زنان دارد، رنج می‌برند. در حالیکه همه-ی انسانها بدون در نظر گرفتن جنسیت، سزاوار استفاده از حقوق بنیادی بشر خود هستند؛ ولی در واقعیت زنان همچنان با تبعیض گسترده مواجه‌اند. اشکال فراگیر نابرابری میان مردان و زنان در بعضی حوزه‌ها آشکار است. از جمله: حق طلاق و حق مالکیت، تحمیل قوانین لباس رسمی و حق رفت و آمد. در واقع یکی از حوزه‌های مغفول در ارتباط با زنان نداشتن حق مالکیت بر زمین‌ها و اراضی در بسیاری از کشورهای جهان است که می‌تواند منجر به کاهش انگیزه در راستای حفاظت از محیط زیست باشد. یکی از

همانطور که زنان به لحاظ نقش‌های اجتماعی و با لحاظ رویکردی جنسیتی از مردان متمایزند، دانش و آگاهی‌های زنان و مردان نیز در ارتباط با امور زیست‌محیطی و نحوه برخورد آن‌ها و حفاظت از محیط‌زیست از سوی آن‌ها نیز متفاوت از یکدیگر است و لذا در هنگام در نظر گرفتن نقش زنان و مردان در پروژه‌های زیست-محیطی باید به تفاوت جنسیت آنان و در نتیجه پیامدهای متفاوت حاصل از این تمایز جنسیتی در برخوردی متفاوت با محیط زیست توجه داشت. لذا داشتن درکی درست از نقش زنان و مردان در پروژه‌های زیست‌محیطی و اینکه تا چه حد نقش و دانش متفاوت زنان و مردان در پروژه‌های زیست محیطی در نظر گرفته شده است، مسئله د. س. گ.، تحلیل. م. م. م. نیست به شکل ۳. حوزه‌های ممکن برای شناسایی نقش جنسیت در پروژه‌های زیست محیطی (OSCE, 2006: 18) چهار معیار برای تعیین این مسئله که آیا حکوتی رویکردی حساس به جنسیت را در پیش گرفته یا خیر عبارتند از: مشارکت، شفافیت، قانونی بودن و اثر بخشی



۳- ارتباط میان توانمندسازی زنان و توسعه پایدار

در واقع توجه به نقش زنان در فرایند توسعه از اوایل دهه هفتاد میلادی، ناشی از دو واقعیت مهم عدم تحقق کلی نظریات توسعه در بهبود وضعیت کشورهای جهان سوم و موقعیت نامطلوب اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی زنان در این کشورها بود (روح افزا و اکرامی، ۱۳۸۸: ۱۷۰). توانمندسازی زنان به دو طریق می‌تواند دستیابی به توسعه پایدار و به ویژه توسعه پایدار زیست محیطی را تسهیل

• آثار متقابل در ارتباط میان زنان و توسعه پایدار
اجلاس سازمان ملل روی توسعه و محیط زیست^۲ در ریو دوژانیرو در سال ۱۹۹۲ اتفاق مهمی برای زنان سراسر جهان بود. زیرا نقش قاطع زنان در دستیابی به نوعی متفاوت از توسعه را که به طور اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی پایدار باشد، بازشناسی کرد و سهم اساسی آنان را در مدیریت محیط زیست و توسعه ی بیشتر مورد تأکید قرار داد (Corral,2002:249; Mwangi,2001;2). به طور کلی نقش زنان در تحقق اهداف توسعه پایدار از دو منظر مورد توجه قرار گرفته است. از منظر اول توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون آموزشی، اجتماعی، اقتصادی و تامین مالی به عنوان یکی از پیش شرطهای لازم برای تحقق اهداف توسعه پایدار در نظر گرفته شده است. از طرف دیگر تحقق توانمندسازی زنان و تضمین حضور و مشارکت آنان در اجتماع و متعاقباً فعالیت های زیست محیطی و قرار گرفتن در بطن برنامه ریزی ها و سیاست گذاری های زیست محیطی به عنوان شاخصه ای برای نظارت و ارزیابی بر تحقق توسعه پایدار زیست محیطی در هر کشور در نظر گرفته می شود. اهداف خرد و کلان توسعه پایدار در خصوص توانمندسازی زنان در دستورکار ۲۰۳۰ ملل متحد برای توسعه پایدار به شرح ذیل می باشد:

← هدف کلان ۴. تضمین آموزش جامع و باکیفیت منصفانه و ترویج فرصت های یادگیری مادام العمر برای همه

هدف خرد ۲.۴. تا سال ۲۰۳۰ حصول اطمینان از این که همه دختران و پسران به کیفیت نومی اوایل دوران کودکی، مراقبت و آموزش پیش دبستانی دست یابند، به نحوی که از آمادگی لازم برای ورود به دوران ابتدایی بهره مند گردند.

هدف خرد ۳.۴. حصول اطمینان از اینکه تمامی مردان و زنان از دسترسی برابر به دانش فنی با کیفیت و مقرون به صرفه، تحصیلات حرفه ای و عالی از جمله دانشگاه تا سال ۲۰۳۰ برخوردار شوند.

هدف خرد ۵.۴. از بین بردن تبعیض جنسیتی در آموزش و حصول اطمینان از دسترسی برابر به تمامی سطوح آموزش و پرورش و آموزش فنی و حرفه ای برای قشر آسیب پذیر، از جمله افراد دارای معلولیت، مردم بومی و کودکان واقع در موقعیت های آسیب پذیر تا سال ۲۰۳۰.

هدف خرد ۷.۴. حصول اطمینان از اینکه تمامی فراگیران تا سال ۲۰۳۰ به دانش و مهارت های مورد نیاز برای ترویج توسعه پایدار، از جمله ترویج آن به دیگران، از طریق آموزش برای توسعه پایدار

شاخص هایی را که می توان برای تعیین نابرابری جنسیتی در سراسر جهان بکار برد شاخصی است که توسط برنامه توسعه سازمان ملل متحد تهیه می شود.^۱ به موجب این شاخص کشور اسلوونی با کمترین مقدار نابرابری جنسیتی یعنی ۰/۰۱۶ در رتبه اول قرار گرفته و به عنوان کشوری با کمترین میزان نابرابری جنسیتی شناخته میشود و پس از آن کشورهای سوئیس و آلمان با داشتن به ترتیب مقادیر ۰/۰۲۸ و ۰/۰۴۱ در رتبه های بعدی و در میان کشورهایی با داشتن شاخص بسیار بالای توسعه انسانی قرار گرفته اند. در این میان ایران با داشتن مقدار ۰/۵۱۵ در میان ۱۵۵ کشور رتبه بندی شده در رده ۱۱۴ قرار گرفته در میان گروه بندی های این شاخص ایران در میان کشورهایی با شاخص توسعه بالای انسانی قرار گرفته است (جدول ۲)

ملل سازمان توسعه برنامه اساس بر جنسیتی نابرابری جدول ۲. شاخص HUMAN DEVELOPMENT REPORT Work for متحد)

نام کشور	مقادیر شاخص نابرابری جنسیتی (۲۰۱۴)	میزان مرگ و میر به هنگام زایمان (مرگ در هر ۱۰۰۰۰ تولد زنده)	سهیمیه کربن در پارلمان (در مورد زنان -۲۰۱۴)	جمعیت برخوردار از حداقل آموزش متوسطه (درصد سنین ۲۵ سال و بالاتر) ۲۰۱۴-۲۰۰۵	میزان مشارکت نیروی کار (درصد سنین ۱۵ سال و بالاتر) ۲۰۱۳
۱	۲	۳	۴	۵	۶
اسلوونی	۰/۰۱۶	۰/۰۲۸	۰/۰۴۱	۰/۵۱۵	۲۳
سوئیس	۰/۰۲۸	۰/۰۳۸	۰/۰۴۱	۰/۵۱۵	۲۳
آلمان	۰/۰۴۱	۰/۰۴۱	۰/۰۴۱	۰/۵۱۵	۲۳
ایران	۰/۵۱۵	۰/۵۱۵	۰/۵۱۵	۰/۵۱۵	۲۳

Human Development, 2015

و سبک زندگی پایدار، حقوق بشر، برابری جنسیتی، ترویج فرهنگ صلح و عدم خشونت، شهروند جهانی، و ارج نهادن به تنوع فرهنگی و مشارکت فرهنگی برای توسعه پایدار، دست یابند.

⇐ هدف کلان ۵. دستیابی به برابری جنسیتی و توانمندسازی همه زنان و دختران

هدف خرد ۵. ۱. پایان دادن به تمام اشکال تبعیض بر ضد زنان و دختران در همه جا.

هدف خرد ۵. ۵. تضمین مشارکت کامل و موثر زنان و فرصت‌های برابر برای رهبری در تمام سطوح تصمیم‌گیری در زندگی سیاسی، اقتصادی و عمومی.

هدف خرد ۵.۵. انجام اصلاحات برای اعطای حقوق برابر به زنان برای دست یافتن به منابع اقتصادی و همچنین مالکیت و کنترل بر اراضی و دیگر اشکال دارایی‌ها، خدمات مالی، ارث و منابع طبیعی در چارچوب قوانین و ضوابط ملی.

هدف خرد ۵.۵. افزایش استفاده از تکنولوژی‌های توانمندساز، به ویژه ICT باری افزایش توانمندی در زنان.

هدف خرد ۵.۵. اتخاذ و تقویت سیاست‌های کارا و تدوین قانون لازم‌الاجرا برای ترویج برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان و دختران در تمام سطوح.

به طور کلی امروزه کشورهایی به عنوان کشورهای توسعه‌مند و پایدار در زمینه امور زیست محیطی در نظر گرفته می‌شوند که حداقل در دو بعد به پایداری و ثبات رسیده باشند.

انجام اقدامات لازم در جهت افزایش ایمن‌پذیری مردم اعم از زنان و مردان و به ویژه زنان در برابر خطرات و آسیب‌های زیست محیطی و به عبارت ساده‌تر کاهش آسیب‌پذیری مردم در برابر خدمات و خطرات زیست محیطی.

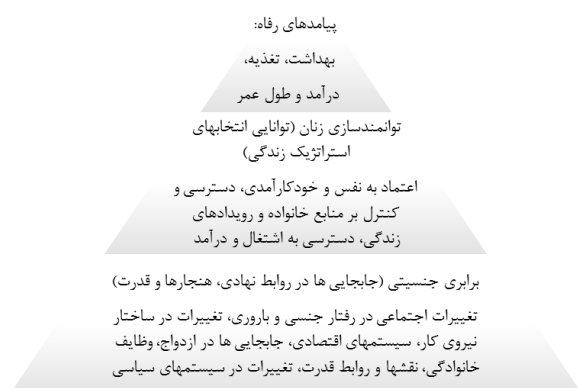
ایجاد و گسترش ظرفیت‌های لازم و بهره‌گیری مطلوب و کامل از سرمایه‌های اجتماعی به ویژه زنان در جهت تحقق اهداف توسعه پایدار زیست محیطی

همچنین در این راستا، در دستور کار ۲۱ این اجلاس، زنان به عنوان یک گروه اصلی که مشارکت آنان در دستیابی به توسعه پایدار ضروری است، مورد توجه قرار گرفته اند (Reynolds and

۴- نتیجه‌گیری

به طور کلی آنچه ضرورت مسئله توانمندسازی زنان در بعد زیست محیطی را توجیه می‌کند، پیامدهای توسعه پایدار بر رفاه زنان است. در واقع رفاه زنان نیز خود عنصری مهم است که خود نیز نقشی بسزا در توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و به ویژه زیست محیطی خواهد داشت. (شکل ۴)

شکل ۴. از رفاه به توانمندسازی زنان و برابری جنسیتی



به توانمندسازی زنان منجر شده و تسهیل کننده آن خواهد بود.

یادداشت‌ها

^۱ شاخص نابرابری جنسیتی یک شاخص نابرابری است. این شاخص کمبود توسعه بالقوه انسانی را با توجه به اختلاف بین دستاوردهای زنان و مردان در دو بعد، وضعیت توانمندسازی و اقتصادی، نشان می‌دهد و منعکس کننده موقعیت یک کشور نسبت به آرمانهای هنجاری برای بعد کلیدی سلامت زنان است. به طور کلی، شاخص نابرابری جنسیتی منعکس کننده چگونگی محرومیت زنان در این ابعاد است. هیچ کشوری به برابری جنسیتی کامل وجود ندارد. از این رو همه کشورها از برخی کمبودها در دستاوردها در جنبه‌های کلیدی توسعه انسانی هنگامی که نابرابری جنسیتی در نظر گرفته میشود رنج می‌برند. مقادیر شاخص نابرابری جنسیتی بین ۱ و ۰ و مقادیر بالاتر شاخص نابرابری جنسیتی نشان از سطوح بالاتر نابرابری دارد.

^۲ UNCED

به طور کلی، توانمندسازی فرایندی است که به موجب آن زنان به سادگی در سطوح فردی، خانوادگی، جامعه و سطوح وسیعتر صاحب منفعت می‌شوند. در پایه‌ای‌ترین سطح، نوآوری می‌تواند زنان را از طریق بهبود رفاه آنان از نظر بهداشت، تغذیه، درآمد، طول عمر و غیره صاحب منفعت نماید و پس از بهبودهای حیاتی حاصل شده در رفاه، تغییرات می‌تواند منجر به توانمندسازی زنان شوند، جایگاه زنان نمایندگی و منابع را برای تصمیم‌گیری، ایجاد اعتماد به نفس و اقدام به نفع منافع خود به دست می‌آورند و سرانجام، تغییرات عمیقتر و اساسی‌تر، موجب تغییر در هنجارهای اجتماعی، نگرش‌ها و رویه‌های نهادی می‌شود. در نهایت، باید گفت که رشد و توسعه در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی است که تحقق توسعه پایدار در هر کشور را می‌تواند تضمین نماید و نباید این سه بعد را جداگانه و به طور متمایز هم در نظر گرفت. در نهایت هر کشوری باید به طور تدریجی و هم‌عرض شاخص‌های توسعه پایدار را در سه بعد اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی به جلو پیش ببرد و نباید آن‌ها را به مثابه اجزایی متمایز از هم در نظر بگیرد. بنابراین در مجموع نه توسعه پایدار بدون تحقق توانمندسازی زنان در ابعاد گوناگون حاصل نمی‌شود و نه تحقق توانمندسازی زنان بدون دستیابی به توسعه پایدار زیست محیطی میسر خواهد بود. لذا چنانکه در شکل بالا دیده می‌شود میان برابری جنسیتی و تحقق مشارکت اجتماعی زنان، توسعه پایدار و رفاه زنان رابطه‌ای تنگاتنگ و پایدار وجود دارد:

بدین ترتیب که برابری جنسیتی یکی از پیش‌شرط‌های لازم برای تحقق توانمندسازی زنان به عنوان یکی از اهداف عمده توسعه پایدار بوده و توسعه پایدار نیز در نهایت چیزی به جز رفاه بشر و به ویژه زنان نخواهد بود. در پایان رفاه زنان نیز چنانکه در شکل بالا مشاهده شد در نهایت

منابع

الف) منابع فارسی

- پاتنام، ر و دیگران، ۱۳۸۹، سرمایه‌ی اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه، با گرد آوری کیان تاجبخش، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه، چاپ سوم.
- اکبری، ح، ۱۳۹۱، نقش زنان در توسعه پایدار محیط زیست، زن در توسعه و سیاست، دوره ۱۰، شماره ۴، ص ۳۷-۵۶.
- روح افزا، ف، اکرامی، ع، ۱۳۸۸، ضرورت توجه به اهمیت نقش زنان در راستای اهداف توسعه پایدار، فرهنگ، تابستان، شماره ۷۰.

ب) منابع انگلیسی

- Molyneux, M. 1985. Mobilization without empowerment? Women's interests, the State, and revolution in Nicaragua. *Feminist Studies*, 11(2), p. 227- 254.
- Batliwala, S. 1994. The meaning of women's empowerment: New concepts from action, in Gita Sen, Adreienne Germain, and Lincoln Chen (eds.), *Population policies reconsidered: Health empowerment and rights*. Cambridge, Mass: arvard University Press.
- Osirim, M. J. 2001. Making good on commitments to grassroots women: NGOs and empowerment for women in contemporary Zimbabwe. *Women's Studies International Forum*, 24(2), p. 167-180.
- Bourdieu, P. 1997. "The Forms of capital" in Halsey, A. H., Brown, P., weus, L., stuart, A. 1983. *Education, Culture, Economy society*, London, Oxford University Press.
- Portes, A. 1998. "Social Capital: Its origins and applications in modern sociology." *Annual Review of Sociology* 24, p. 1-24.
- O'Neil, T., Domingo, P., Valters, C. 2014. *Progress on women's empowerment: From technical fixes to political action*. London: ODI.
- Flint, R. W. 2013. *Practice of Sustainable Community Development, A Participatory Framework for Change*, springer.
- Rao, M. 2012. *Ecofeminism at the Crossroads in India: A Review*, DEP n. 20/, Available Electronically At: www.unive.it/media/allegato/dep/n20-2012/Ricerche/Casi/11_Rao_Ecofeminism.pdf.
- OSCE, 2006. *Filling the Gaps. Gender in the Analysis, Policy and Strategy Development of the Conflict Prevention Center and Gender Section of the Office of the Secretary General*, Vienna.
- Corral, T. 2002. "Women's Sustainable Development Agenda". *Natural Resources Forum* 26, p. 249-253.
- Mwangi, E. 2001. "Not yet Paradise: Gender, Environment And Sustainable Develoment In Africa". Available Electronically At: www.worldsummit2002.org/texts/EstherMwangi.pdf.
- Reynolds, F., Goldsmith, J. E. 2002. "Women And Sustainable Development – From Local To International Issues". *The Millennium Papers Issue 3* Is Edited By Amy Cruse.
- Addis Ababa Action Agenda of the Third International Conference on Financing for Development, (Addis Ababa, Ethiopia, 13-16 July 2015) and endorsed by the General Assembly in its resolution 69/313 of 27 July 2015.
- HUMAN DEVELOPMENT REPORT 2015 *Work for Human Development*.
- Al-Khashman, O. 2007. Determination of metal accumulation in deposited street dusts in Amman, Jordan, *Environmental geochemistry and health*, Vol. 5, p. 1-10.
- Borai, A. A., et al. 2001. Monitoring and statistical evaluation of heavy metals in airborne particulates in Cairo, Egypt, *E. H. Chromatography*, Vol. 10, p. 261-269.
- Nabi, G., Pardakhti, A. 2011. Comparative cancer risk assessment of THMs in drinking water from well water sources and surface water sources, *Environ Monit Assess*, Vol. 179, p. 499-507.
- IRIS, 2005. *Guidelines for Carcinogen Risk Assessment*, EPA.
- Kent, C. 1998. *Basics of Toxicology*.
- U.S-EPA, 2000. *Exposure Factors Handbook*. Office of environmental health and hazard assessment, Washington DC.
- Yongming, H. 2006. Multivariate analysis of heavy metal contamination in urban dusts of xi'an, Central China. *The Science of the Total Environment*, p. 176-186.